

DOI: <http://dx.doi.org/10.30512/kq.2021.17108.3174>

## واکاوی مفهوم و مؤلفه‌های دینداری موقعیتی در قرآن کریم\*

صدیقه کریمی<sup>۱</sup>

سهراب مروتی<sup>۲</sup>

مهدی اکبرنژاد<sup>۳</sup>

بهروز سپیدنامه<sup>۴</sup>

### چکیده

دین‌هنگامی که از صورت الهی به صورت انسانی جلوه‌گر گردد متلون و متنوع می‌شود و در قالب‌های جدیدی به نام سنخ‌های دینداری ظهور و بروز می‌یابد. این مقاله بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی به مطالعه یکی از جلوه‌های دینداری در قرآن کریم با محوریت «تغییر موضع فرد دیندار بر اثر قرارگرفتن در موقعیت‌های مختلف» بپردازد. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که قرآن کریم در بسیاری از آیات از فضای دوقطبی ایمان و کفر خارج می‌گردد و فضایی را ترسیم می‌کند که در آن افراد ایمان دارند، اما در برخی از موقعیت‌ها تغییر مسیر می‌دهند. قرارگرفتن در دینداری موقعیتی بر اثر عواملی از جمله کسب سود و دفع ضرر دنیوی و اخروی، وقوع جامعه در برخی شرایط خاص و عدم آگاهی و شناخت دینداران از ابعاد مختلف مسیر دینداری به وجود می‌آید. در این نوع دینداری، جایگاه دین مدام در معرض تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد. این عملکرد به حیات دینی افراد آسیب می‌رساند و در تقابل با «استقامت» به عنوان یکی از محوری‌ترین معارف قرآنی است. دینداران می‌توانند با بهره‌گیری از خودشناسی و آگاهی موجبات مصونیت از دینداری موقعیتی را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: قرآن، دینداری موقعیتی، کسب سود، دفع ضرر، شرایط جامعه، عدم آگاهی دینداران.

\* تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) / [sedighehkarami@gmail.com](mailto:sedighehkarami@gmail.com)

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام / [s.morovati@ilam.ac.ir](mailto:s.morovati@ilam.ac.ir)

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام / [m\\_akbarnezhaad@ilam.ac.ir](mailto:m_akbarnezhaad@ilam.ac.ir)

۴. استادیار دانشگاه ایلام / [b.sepidnameh@ilam.ac.ir](mailto:b.sepidnameh@ilam.ac.ir)

## ۱- مقدمه

دین<sup>۱</sup>، کهن‌ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است (آذربایجانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱). بشر در طول تاریخ دینی بوده است و هیچ فرد و اجتماعی را نمی‌توان یافت که حیاتی فاقد تجربه دینی و تاریخی بدون «اله» را سپری کرده باشد (کنیگ، ۱۳۵۵، ص ۲۶).

«دین» و «دینداری»<sup>۲</sup> همواره در کنار یکدیگر و گاه به عنوان دو واژه مترادف به کار برده شده است. اما سده‌های اخیر برخی از پژوهشگران سعی بر بیان تعاریف مجزا و تفکیک حوزه‌های این دو مفهوم نموده‌اند. در تفکیک دو مفهوم «دین» و «دینداری» می‌توان گفت: دین گاهی به عنوان حقیقتی مستقل از انسان لحاظ می‌شود که از سوی مبدأ هستی برای هدایت او وضع و تأسیس شده و به صورت پیامی الهی توسط پیامبران در اختیار آدمی قرار گرفته است و گاهی به منزله واقعیتی فردی و اجتماعی در زندگی انسان یا همان دینداری، تدبیر و دین‌ورزی است و امروزه، در مطالعات مربوط به دین‌پژوهی، مقصود کاربرد دوم از واژه دین است (شیروانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

در حقیقت در تعریف دین نباید دین و دینداری را در هم آمیخت، زیرا «تدبیر» وصف انسان است، ولی «دین» حقیقتی پیام‌گونه است که خداوند آن را در اختیار انسان قرار می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۲۷). دینداری یا تدبیر عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه‌ای ایمانی با او، سامان می‌پذیرد. به عبارتی، دینداری میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی (التزام) افراد به دین است (طالبان، ۱۳۸۰، صص ۴۹-۵۰). برخی از پژوهشگران دینداری را به معنای درگیری دینی<sup>۳</sup> افراد می‌دانند. «دینداری در یک حالت کلی، داشتن اهتمام دینی است؛ به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد» (شجاعی زند، ۱۳۸۴).

از منظر قرآن کریم حرکت در مسیر دینداری نزد همه افراد یکسان نیست. برخی ثابت قدم و تزلزل ناپذیرند و شرایط مختلف تغییری در دینداری آنان ایجاد نمی‌کند. قرآن کریم در توصیف این افراد با بکارگیری واژه «استقامت» می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت: ۴۱/۳۰). مفسران با عبارات متفاوتی استقامت را توصیف کرده‌اند که البته مفهوم همه آنها بر عدم تغییر در مسیر دینداری دلالت دارد. برخی از این توصیفات عبارتند از «من غیر میل و انحراف و الثبات علی القول الذی قالوه» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۸۹)، «ثم داموا علی التوحید، فلم یلتفتوا إلی إله غیر الله» (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۴، ص ۲۲۳)، «ثم استقاموا علی طاعة الله» (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۲۶)، «لم یشرکوا بالله شیئا» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۵۰). از سویی دیگر برخی از دینداران در مسیر دینداری تزلزل‌پذیرند و دینداری آنها با قرارگرفتن در شرایط مختلف، در معرض تغییر قرار دارد. بر این اساس دینداری این افراد ذیل عنوانی به نام «دینداری موقعیتی»

1. Religion

2. Religiosity

3. Religious involvements

قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، تغییر موضع بر اثر قرارگرفتن در موقعیت‌ها، مؤلفه اصلی یک نوع دینداری به نام «دینداری موقعیتی» است. سؤال اصلی این پژوهش این است که چه موقعیت‌هایی باعث عدم ثبات و تغییر در مسیر دینداری می‌شود؟

جستجوی عنوان این پژوهش نتیجه‌ای در برندا داشت، اما برخی از پژوهش‌های مرتبط با این موضوع عبارتند از: رادی میبیدی و پرچم (۱۳۹۹) در مقاله خویش با عنوان «آسیب شناسی ارتجاع و تزلزل جوامع دینی از منظر قرآن با تکیه بر بافت اجتماعی و ذهنی (مورد مطالعه: یهود صدر اسلام)»، بر این عقیده است که «دنیاطلبی» مهم‌ترین عامل تزلزل جامعه یهود است. حفظ ایمان و اجرای دستورات دینی در سطح جامعه ممکن است با سختی‌ها و موانع همراه باشد و رفاه‌طلبی موجب می‌شود، سطح پایبندی به تعهدات دینی در جامعه تنزل یابد (زهرارادی میبیدی و اعظم پرچم، ۱۳۹۹، ص ۶۲).

رحمت بادفر (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خویش با عنوان «گونه‌شناسی سبک‌های دینداری مسلمانان در قرآن و نهج البلاغه»، در قالب مبحث «دینداری اضطراری» به مبحث بیگانه شدن از خداوند پس از نجات از سختی‌ها پرداخته است (بادفر، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

فاطمه کاشانی (۱۳۹۴) در مقاله «آسیب شناسی دینداری در بعد عملکرد از منظر قرآن کریم»، عملکردهای آسیب‌رسان را به سه دسته عملکردهای آسیب‌رسان به «عرصه شناخت دین»، «عمل به دین» و «ماندگاری در مسیر دین» تقسیم کرده است و ذیل مبحث «دینداری موسمی و مقطعی»، صبور نبودن در مسیر دینداری را مهم‌ترین عملکرد آسیب‌رسان به عرصه ماندگاری در مسیر دین می‌داند (کاشانی، ۱۳۹۴، ص ۹۱).

زهره چرم‌دوز (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خویش با عنوان «مقایسه دینداری تکلیف‌محور و دینداری متکلفانه» گونه‌های انحراف از معیارهای ثبات در عقیده را خرافات، غلو، کثرت‌گرایی و تعصب می‌داند (چرم‌دوز، ۱۳۹۳، ص ۹۴). شایان ذکر است که این پژوهش از آن جهت متفاوت است که بر اساس یک محور اصلی با عنوان «تغییر موضع بر اثر قرارگرفتن در موقعیت‌ها»، مؤلفه‌های متعددی را استخراج و تحلیل کرده است.

## ۲- روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی - محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی، کدبندی و تم‌سازی با طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها<sup>۱</sup> یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند، به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. یکی از موضوعات درخور توجه در تحلیل محتوای کیفی، تصمیم‌گیری درباره این موضوع است که آیا تحلیل بر محتوای پنهان تأکید می‌کند یا آشکار؟ زیرا محتوای آشکار و محتوای پنهان<sup>۲</sup> در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوط هستند، ولی تفسیرها در عمق

1. Themes

1. Hidden and obvious content

و سطح انتزاع متفاوت هستند. همین عامل موجب شده است که محققان تحلیل محتوای کیفی را به منزله روشی انعطاف‌پذیر به‌ویژه برای داده‌های متنی در نظر بگیرند» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰).  
تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی است که برای روشن‌ساختن مفاهیم و مقولات آشکار و پنهان متن استفاده می‌شود. تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های پژوهش در علوم اجتماعی است که در پی شناخت داده‌ها به منزله پدیده‌های نمادین است و بدون اخلاص در واقعیت اجتماعی به تحلیل آن‌ها می‌پردازد (فلیک، ۱۳۹۱، ص ۲۲۶).

تحلیل محتوای کیفی دارای سه رویکرد تحلیل محتوای عرفی، تحلیل محتوای جهت‌دار و تحلیل محتوای تلخیصی است. رویکرد مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای جهت‌دار است. در این نوع تحلیل، محقق بر اساس مبانی نظری از پیش تعیین‌شده به مواجهه با متن می‌رود. مفاهیم نظری، راهنمای محقق در استخراج مقولات از دل متن هستند. در این پژوهش، «واحد تحلیل» سوره‌ها و «واحد معنا»، آیات قرآن کریم هستند. فرایند پژوهش بر اساس رجوع به آیات قرآن کریم، رصد مباحث مورد نظر بر اساس مدل مفهومی و درون‌فهمی آیات با استناد به تفاسیر معتبر انجام پذیرفته است.

### ۳- استقامت در قرآن کریم

واژه استقامت از ریشه «قَوَمَ» به معنای قیام (برپا ایستادن) در مقابل قعود (نشستن) است و با توجه به باب استفعال، دلالت بر «طلب قیام در امر» می‌کند. جمله «اسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ» یعنی در آنچه به تو امر شده است قیام نموده و پایداری نشان بده (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۴۱). «استقامت» از ماده قیام گرفته شده از این نظر که انسان در حال قیام بر کار و تلاش خود تسلط بیشتری دارد. استقامت یعنی در خود آن چنان حالتی ایجاد کن که سستی در تو راه نیابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۵۸).

قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و پیروان ایشان را دستور به استقامت داده است و می‌فرماید: ﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود: ۱۱/۱۱۲). در حدیث معروفی از ابن عباس آمده است که «ما نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) آيَةٌ كَانَتْ أَشَدَّ عَلَيْهِ وَ لَا أَشَقَّ مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ، وَ لِذَلِكَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ حِينَ قَالُوا لَهُ أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! شَبَّيْتَنِي هُوْدُ وَ الْوَاقِعَةُ» (طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۰۴): هیچ‌آیه‌ای شدید و مشکل‌تر از این آیه بر پیامبر اکرم (ص) نازل نشد و لذا هنگامی که اصحاب از آن حضرت پرسیدند، چرا به این زودی موهای شما سفید شده و آثار پیری در شما نمایان گشته است؛ ایشان فرمود: سوره هود و واقعه مرا پیر کرد. هنگامی که آیه فوق نازل شد پیامبر اکرم (ص) فرمود: «شَمَّرُوا، شَمَّرُوا، فَمَا رُبِّيَ صَاحِكًا» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۵۱): دامن به کمر بزنید، دامن به کمر بزنید (که وقت کار و تلاش است) و از آن پس، هرگز پیامبر (ص) خندان دیده نشد.

علت اینکه پیامبر اکرم (ص) سوره «هود» را باعث پیری خود دانستند، آن است که خداوند در این سوره استقامت امت را از آن بزرگوار خواست و حضرت بیم آن داشته است که مأموریت انجام نگیرد و گرنه، خود آن بزرگوار استقامت داشته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲). استقامت، وقوف بر احکام و مفاهیم با دقت و بدون انحراف به راست و چپ است و به عبارت دیگر، عمق التزام روحی به دین و انسجام به کل

مفردات آن بدون زیادت و نقصان است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۰، ص ۱۵۹). استقامت به معنای «پایداری» است. استقامت‌پیشگان در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند توجهی به امور دیگر ندارند و ملاک کنش آنها، معیارهای روشن دین است. نتیجه آن اجرای درست و دقیق احکام دین و عبور موفقیت‌آمیز از موقعیت‌های وسوسه‌انگیز است.

#### ۴- دینداری موقعیتی

از دیدگاه قرآن کریم، عوامل تغییر موضع بر اثر قرارگرفتن در موقعیت‌ها عبارتند از:

#### ۴-۱- کسب سود و دفع ضرر دنیوی و اخروی

به نظر می‌رسد شایع‌ترین عاملی که موجب تغییر مسیر فرد دیندار می‌گردد، مواجه‌شدن با مسأله کسب سود و دفع ضرر است.

#### ۴-۱-۱- اقبال و ادبار دنیا

ملاک برخی از افراد در دینداری، نوع تعامل دنیا با آنان است. قرآن کریم در توصیف این افراد می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (حج: ۱۱/۲۲). از دیدگاه لغویون «حرف» به معنای طرف و جانب هر چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۴۱) و «علی حرف» به معنای «علی طرف من الدین» است، نه وسط و قلب آن. مانند اینکه فرد در حالت سستی و اضطراب در دین باشد، نه سکون و طمأنینه. این فرد مانند کسی است که در کنار سپاه و لشکر ایستاده است، اگر احساس پیروزی و غنیمت کرد قرار و اطمینان می‌یابد و در غیر این صورت فرار می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۴۶).

در شأن نزول این آیه چنین نقل کرده‌اند که گاهی گروهی از بادیه‌نشینان خدمت پیامبر اکرم (ص) می‌آمدند، اگر حال جسمانی آنها خوب می‌شد، اسب آنها بچه خوبی می‌آورد، زن آنها پسر می‌زائید و اموال و چهارپایان آنان فزونی می‌گرفت، خشنود می‌شدند و به اسلام و پیامبر اکرم (ص) عقیده پیدا می‌کردند. اما اگر بیمار می‌شدند یا همسرشان دختر می‌آورد و یا اموالشان رو به نقصان می‌گذاشت، وسوسه‌های شیطانی قلبشان را فرا می‌گرفت و به آنها می‌گفت: تمام این بدبختی‌ها به خاطر این آئینی است که پذیرفته‌ای و آنها هم روی گردان می‌شدند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۰۸/قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۱۷). از منظر این افراد معیار حقانیت دین، اقبال و ادبار دنیاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۳۵) و ایمان آنها تابع شرایطی است که در آن زندگی می‌کنند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۲۸). این وجه (از عبادت) تجارت دنیوی است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۰، ص ۲۶) و لازمه آن استخدام دین برای رسیدن به دنیاست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۵۰).

همچنین قرآن کریم بهره‌مندی‌های دنیوی را «متاع» می‌داند. برخی از افراد هنگامی که در موقعیتی قرار می‌گیرند که باید بین دین و بهره‌مندی‌های دنیوی یکی را انتخاب کنند، دومی را انتخاب می‌کنند. به عنوان

نمونه، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) برای شرکت در غزوه تبوک به مسلمانان آماده‌باش دادند، این کار بر عده‌ای از آنان دشوار آمد و از شرکت در جهاد خودداری کردند. قرآن کریم در بیان سرزنش این افراد می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَا قُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيكُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (توبه: ۳۸/۹). بهانه تأخیر و عدم شرکت این افراد در جهاد این بود که در آن هنگام هوا به شدت گرم بود، مردم بر اثر کمبود خوراک در تنگنا قرار داشتند و زمان چیدن میوه‌های مدینه نیز فرارسیده بود. قرآن کریم آنان را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: آیا شما نعمت نابودشدنی دنیا را بر نعمت همیشگی آخرت ترجیح می‌دهید؟ (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۴۴).

قرآن کریم موانع شرکت در جهاد را علاقه انسان به پدران، فرزندان، برادران، همسران، عشیره و قبیله و اموال و سرمایه‌ها و ترس از کسادى تجارت و مساكن مرفه می‌داند و می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (توبه: ۲۴/۹). این آیه تعریف روشنی از انسان مؤمن ارائه می‌دهد و آن این است که در هنگام تعارض بین حق و منافع انسان، هر کس حق را بر منافع خود ترجیح دهد، آن شخص باایمان و پاک است و هرکس که منافع خود را بر حق ترجیح دهد، منافق و ناپاک است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۳).

اهمیت منافع دنیوی برای برخی از افراد تا آنجاست که ملاک شرکت در جهاد برای آنها اطمینان یافتن از کسب غنائم جنگی است. مثلاً، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) از «حدیبیه» باز می‌گشت، به فرمان خداوند مسلمانان شرکت‌کننده در حدیبیه را بشارت به «فتح خیبر» داد و تصریح فرمود که در این پیکار فقط آنها شرکت کنند و غنائم جنگی مخصوص آنهاست و تخلف کنندگان را نصیبی از این غنائم نخواهد بود. اما این افراد هنگامی که فهمیدند پیامبر اکرم (ص) در این جنگی که در پیش دارد، قطعاً پیروز می‌شود و غنائم فراوانی به دست سپاه اسلام خواهد افتاد، خدمت ایشان آمدند و اجازه شرکت در میدان «خیبر» را خواستند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَسْبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (فتح: ۱۵/۴۸). در حقیقت تخلف‌کنندگان می‌خواهند وعده الهی را در مورد اختصاص غنائم «خیبر» به افراد شرکت‌کننده در «صلح حدیبیه» تغییر دهند و خود را در این غنائم جنگی شریک آنان سازند (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۲۷).

امام حسین (ع) نیز ملاک برخی از افراد در دینداری را ثبات معیشت می‌داند و می‌فرماید «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَاللَّيْنُ لَعُقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَابِشُهُمْ فَإِذَا مَحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَاتُونَ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۵): مردم بنده دنیا هستند و و دین بر زبان آنها می‌چرخد و تا وقتی زندگی هاشان بر محور دین بگردد در پی آن هستند، اما وقتی به وسیله بلاء آزموده شوند دینداران اندک می‌شوند. بنابراین منافع دنیوی و معیشت یکی از موقعیت‌هایی است که موجب تغییر در مسیر دینداری می‌شود.

#### ۴-۱-۲- رهایی از سختی‌ها

یکی از حالات انسان این است که در سختی‌ها خداوند را از صمیم جان می‌خواند، اما هنگامی که از آن شرایط رهایی یافت، از خدا بیگانه می‌شود: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زِينٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (یونس: ۱۰/۱۲). این سیرت انسان است که خداوند را در حالت سختی می‌شناسد، ولی هنگامی که خطرات برطرف شد و احساس آرامش نمود، همه چیز را فراموش می‌کند و قدم در مسیر طغیان و تمرد می‌گذارد، آنچنان که گویی که خداوند را نخوانده و نتایج آن را به دست نیاورده است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۲۷۹).

قرآن کریم با استفاده از مظاهر طبیعت فضایی را ترسیم می‌کند که در آن انسان‌ها را از یادکرد موقتی خداوند بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَينَ بِهِمْ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (یونس: ۲۲-۲۳). در این آیه دست به اعماق فطرت بشر انداخته و توحید فطری را برای آنها تشریح می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۵۸)، زیرا انسان‌ها در شدائد و احوال به درگاه خدا رو می‌کنند و او را از روی اخلاص می‌خوانند (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۶۰). این آیه به انسانها یادآوری می‌کند که چگونه در مشکلات و خطرات بزرگ همه چیز را جز خداوند فراموش می‌کنند، اما به محض اینکه از آن وضعیت رهایی یافتند از خدا بیگانه می‌شوند.

قرآن کریم این مبحث را در آیات دیگری نیز بیان کرده است (نحل: ۱۶/۵۴؛ اسراء: ۱۷/۶۷؛ اسراء: ۱۷/۸۳؛ عنکبوت: ۲۹/۶۵؛ زمر: ۳۹/۴۹؛ فصلت: ۴۱/۵۱). و از این رو، امام علی (ع) می‌فرماید: «نَسَّأَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۶۴)؛ «از خدا می‌خواهیم که ما و شما را از کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی آنها را مست و مغرور نمی‌سازد».

#### ۴-۱-۳- خطرات جانی

از دیگر موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر دینداری است، مواردی است که با جان افراد در ارتباط است. در قرآن کریم موارد متعددی از تغییر مسیر دینداری مؤمنان هنگام قرارگرفتن در موقعیت جهاد بیان شده است.

به عنوان نمونه هنگامی که حضرت موسی (ع) از بنی اسرائیل می‌خواهد که وارد سرزمین مقدس شوند، آنها حضور ستمگران را بهانه‌ای برای عدم ورود خویش بیان کردند و به موسی (ع) گفتند: تو و پروردگارت بروید (و با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم: ﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ (مانده: ۲۴/۵). پاسخ آنان به آن حضرت خروج از معنای ایمان سلیم است (ابوزهره، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۱۷). سستی بنی اسرائیل در مبارزه با دشمن، چنان مشهور بود که مسلمانان نیز پیش از شروع جنگ بدر (سال دوم هجری) و هنگام ورود به مکه (سال ششم هجری) می‌گفتند:

ما همچون بنی اسرائیل نیستیم که «إنا هاهنا قاعدون» بگوییم، بلکه همواره در رکاب تو ای پیامبر آماده جنگیم (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۷۱).

قرآن کریم مؤمنان را به ثبات قدم در جهاد دعوت می‌کند و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ﴾ (انفال: ۱۵/۸). این آیه تشویق اهل ایمان بر ثبات و مجاهده است (ابوزهره، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۸۴). در فضائل امام علی (ع) آمده است که در تمام عمر، حتی یک بار هم از جبهه و جنگ فرار نکرد (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۳۹).

#### ۴-۱-۴- تجارت و بردگی در مواجهه با مقوله عبادت

یکی دیگر از بسترهایی که زمینه قرارگرفتن افراد در دینداری موقعیتی را فراهم می‌آورد، نوع دیدگاه آنها نسبت به مقوله عبادت است. برخی از افراد تصورات نادرستی از فلسفه عبادت دارند و همین امر موجب می‌شود که دینداری آنها در موقعیت‌های نادرستی از جمله تجارت و بردگی قرار گیرد. امام علی (ع) در توصیف انواع عبادت می‌فرماید: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷): «گروهی خدا را از روی میل به ثواب عبادت کردند و این عبادت تاجران است و گروهی از ترس کیفر عبادت کردند و این عبادت بردگان است و گروهی به خاطر سپاسگزاری عبادت کردند و این عبادت آزادگان است». بر این اساس عبادت تاجران به خاطر قرارگرفتن در موقعیتی به نام «بهشت» و بهره‌مندی از انواع نعمت‌های آن است و عبادت بردگان به خاطر ترس از قرارگرفتن در موقعیتی به نام «دوزخ» و عذاب‌های آن است.

اما دینداری آزادگان وابسته به موقعیت نیست بلکه رسیدن به مقام «رضوان و رضایت پروردگار» را بالاتر از همه نعمت‌های اخروی می‌دانند چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۷۲/۹). حقیقت عبودیت که قرآن کریم بشر را بدان دعوت می‌کند آن است که به خاطر محبت به خدا انجام شود، نه به خاطر طمع بهشت یا ترس از آتش (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۳۹). بنابراین، عبادت برخی از افراد برای کسب سود و دفع ضرر اخروی است.

#### ۴-۲- قرارگرفتن جامعه در برخی شرایط خاص

یکی دیگر از موقعیت‌هایی که باعث تغییر مسیر دینداری می‌شود شرایط جامعه است، زیرا سطوح دینی افراد در یک جامعه متفاوت است و در هنگام تغییر شرایط، دینداری افراد نیز در معرض تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد.

#### ۴-۲-۱- فعالیت‌های ضد دینی گروه‌های مختلف جامعه

یکی از موقعیت‌هایی که موجبات تغییر در مسیر دینداری افراد را فراهم می‌آورد، فعالیت‌های ضد دینی برخی از گروه‌های جامعه است. به عنوان نمونه، قوم ثمود در رفاه اقتصادی به سر می‌بردند، اما کم‌کم



بت‌پرستی و فساد در بین ایشان رواج پیدا کرد. خداوند برای هدایت آنها صالح (ع) را فرستاد (رسولی محلاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳)، اما با وجود دلایل و شواهد قطعی بر نبوت صالح، مستکبران به او ایمان نیاوردند و تنها مستضعفان به دعوت صالح (ع) پاسخ دادند. قرآن کریم در بیان استقبال مستضعفین و اعراض مستکبران در برابر دعوت آن حضرت می‌فرماید: ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ (اعراف: ۷۵-۷۶). مستکبران افراد مستضعف را به خاطر فقرشان تحقیر می‌کردند (نهایندی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۲۰). به همین دلیل این آیه بزرگ‌ترین دلیل بر اثبات این موضوع است که استکبار زاینده افزایش ثروت و بالارفتن مقام است، چراکه همین افزایش، آنان را به سرکشی و کفر وامی‌دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۰۷). البته، اغلب در هر زمانی ترویج دین به دست مستضعفان بوده است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۶۸). آنان از سلامت فطری برخوردارند (ابوزهره، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۸۹۰) چراکه وابستگی به قدرت و ثروت ندارند. بر این اساس یکی از عوامل مؤثر در دینداری، پایگاه اقتصادی افراد یک جامعه است.

قرآن کریم «ملا» و «مترفین» را گروه‌های ثروتمند جامعه و موجب گمراهی مردم می‌داند: ﴿وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ﴾ (یونس: ۸۸/۱۰). ملا اشرافی بودند که جمال آنها چشم‌ها و هیبت آنها قلب‌ها را پر کرده بود (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۲۷۴/ طبرسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۴۳). لام در «لیضلوا» به اصطلاح لام عاقبت و نتیجه است، یعنی پروردگارا! سرانجام و عاقبت کار اینها چنان است که مردم را از راه تو گمراه کنند (طبرسی، همان، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۴۶). همچنین قرآن کریم درباره فعالیت‌های ضددینی مترفین می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ (سبأ: ۳۴/۳۴). مترف از ماده «ترف» به معنای «تنعم» است و «مُتْرَف» به کسی می‌گویند که فزونی نعمت او را غافل، مغرور و مست کرده و به طغیان واداشته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷). ترف یا تنعم باعث فاسد شدن فطرت می‌شود، در نتیجه انسان دلایل هدایت را نمی‌بیند و بر آن استکبار می‌ورزد و باطل را یاری می‌کند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۹۱۰). در حقیقت یکی از کارهایی که افراد می‌توانند برای مخالفت با دیگران انجام دهند تردید وارد کردن در سخنان آنان است و «ملا» و «مترفین» به خاطر جایگاهی که در بین مردم داشتند، با چنین روشی مانع پیروی مردم از پیامبران می‌شدند.

#### ۴-۲-۲- محیط اجتماعی آلوده

قرارگرفتن در محیط آلوده از دیگر موقعیت‌هایی است که موجب تغییر مسیر دینداری افراد می‌شود. از نمونه‌های قرآنی این مبحث داستان خروج بنی‌اسرائیل از دریا و رسیدن به مکان زندگی بت‌پرستان و درخواست جعل «اله» از حضرت موسی (ع) است: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۸/۷).

حس گرایی یکی از مهمترین سرچشمه‌های گرایش به بت پرستی و خدایان محسوس در طول تاریخ بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵۲). محیط فاسد بر افکار بنی اسرائیل تأثیر گذاشت و آنها را به بت پرستی متمایل ساخت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۶۰)، زیرا محیط آلوده موجب رویگردانی مردم از دین می‌شود (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۴۴). این آیه شریفه اهمیت سلامت اجتماع را در سلامت دینداری نشان می‌دهد، زیرا ممکن است سطح آگاهی دینی برخی افراد پایین باشد و با قرارگرفتن در معرض آلودگی‌ها تغییر مسیر دهند.

قرآن کریم از قول حضرت ابراهیم (ع) به این نکته اشاره دارد که بتها سبب گمراهی مردم می‌شوند: ﴿رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّوا كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (ابراهیم: ۱۴/۳۶). حال این سؤال پیش می‌آید که بتها چگونه سبب گمراهی مردم می‌شدند در حالی که سنگ و چوبی بیش نبودند و قدرت بر گمراه ساختن آنها نداشتند. در پاسخ باید گفت گاه بتهای سنگی و چوبی را متولیان و کارگردانان آن چنان می‌آراستند و تشریفات برای آنها قائل می‌شدند که برای عوام ساده لوح گمراه کننده بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۳۶۷).

#### ۴-۲-۳- خفقان دینی در جامعه

از دیگر موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر دینداری می‌شود، قرارگرفتن جامعه در شرایط سخت دینی و ایجاد تنگنا برای فعالیت‌های اهل ایمان است. «رهبانیت» یا صومعه‌نشینی که در آیه ﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ﴾ (حدید: ۲۷/۵۷) به آن اشاره شده است، محصول همین شرایط است. ابن مسعود می‌گوید: پیغمبر (ص) به من فرمود: آیا می‌دانی از کجا بنی اسرائیل رهبانیت را اختراع کردند؟ من گفتم: خدا و رسول او داناترند. آن حضرت فرمود: بر بنی اسرائیل حاکمان ستمگری بعد از عیسی مسلط شدند و اهل ایمان سه مرتبه با آنها پیکار کردند و هر سه بار شکست خورده و فراری شدند. پس گفتند اگر این گروه ستمگر دوباره ما را بیابند، ما را نابود می‌کنند و برای دین یک نفر باقی نخواهد ماند. به همین دلیل در روی زمین و در میان غارها پراکنده شدند و بدین صورت رهبانیت به وجود آمد (طبرسی، بی تا، ج ۲۴، ص ۲۵۰).

همچنین، قرآن کریم در بیان گفتگوی افراد تحت ستم کافران با فرشتگان قبض روح می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (نساء: ۹۷/۴). بنابر مفاد این آیه، برخی از افرادی که با ماندن زیر سلطه کافران بر خویش ستم کرده‌اند در برابر فرشتگان قبض روح می‌گویند: ما در زمین مستضعف بودیم و در سرزمین خود در برابر اهل شرك ناتوان بودیم، زیرا آنان جمعیتی نیرومندتر بودند و ما را از ایمان به خدا باز می‌داشتند (طبرسی، بی تا، ج ۶، ص ۶). «استضعاف» از ماده ضعف به معنای ناتوانی است (فیروزآبادی، ۱۴۲۰، ص ۷۴۷). ضعیف از معنای اصلی این ماده، به گونه‌های

مادی و معنوی استعمال شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۳۰). در معنای مادی شامل ضعف در (نطفه، جسم، مال) و در معنای معنوی ضعف در «عقل، عقیده و ایمان» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۲۰۴). منظور از استضعاف در این آیه، استضعاف معنوی و ضعف در عقیده و ایمان است. در بین مسلمانان نیز «دینداری صوفی‌گرایانه» محصول شرایط مردم ایران بعد از حمله مغول است. در چنین شرایطی بود که برخی برای فرار از واقعیت تلخ پیش‌رو، به خانقاه‌ها پناه بردند و صوفی‌گری رشد و گسترش یافت (عدالت، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳).

#### ۴-۳- عدم آگاهی و شناخت دینداران از ابعاد مختلف مسیر دینداری

از دیگر عواملی که موجب تغییر مسیر دینداری می‌گردد نقصان آگاهی و آشنایی افراد از مسیر دینداری است.

#### ۴-۳-۱- عدم درک جریان پیوسته دینداری

عدم آگاهی و شناخت کامل دینداران از اهداف و افق‌های دین موجب تغییر مسیر دینداری می‌شود. جریان دین قائم به شخص معینی نیست و دینداران موظفند در هر شرایطی، با قوت و قدرت مسیر را ادامه دهند.

قرآن کریم در ماجرای جنگ احد و شایعه شهادت پیامبر اکرم (ص) خطر بازگشت برخی از افراد را پیش‌بینی کرد و فرمود: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۴/۳). «عقب» به معنای پاشنه است و «انقلب علی عقیبیه» یعنی بر دو پاشنه خویش برگردید و مراد از آن رجوع به حالت اولیه است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۱). این اصطلاح استعاره تمثیلیه برای ارتداد از اسلام و رجوع به کفر سابق است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۴). در این آیه منظور از برگشت، برگشتن از دین است، نه برگشتن از جنگ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴) و در این ماجرا گروهی از افراد از دین برگشتند (طبرسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۶). علت بازگشت این افراد فردپرستی و وابستگی به شخص معین بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۱۶). البته امام علی (ع) به بازگشت برخی از افراد پس از وفات پیامبر اکرم (ص) نیز اشاره کرده است: «إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

در ماجرای حضور حضرت موسی (ع) در میقات نیز برخی از افراد دچار گوساله‌پرستی شدند: ﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ (بقره: ۵۱/۲). «سامری» موجبات گوساله‌پرستی را فراهم آورد. او اهل صنعت و آشنا با زرگری بود و بتی از زیور آلات بنی اسرائیل به شکل گوساله ساخت و در آن سوراخ‌ها و شیارهایی مهیا کرد که از آن «خوار» (صدای گاو) شنیده می‌شد و این کاری ساده است که گاه در ساختن اسباب‌بازی کودکان نیز به کار رفته و می‌رود (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۹۷). در غیاب حضرت موسی (ع)، سامری و اصحابش به بنی اسرائیل گفتند: این گوساله خدای شما و موسی است: ﴿فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ﴾ (طه: ۸۸/۲۰). در چنین حالتی حتی تلاش‌های هارون

جانشین حضرت موسی (ع) نیز نتیجه‌ای به دنبال نداشت و آنها با صراحت اعلام کردند که ما همچنان به پرستش این گوساله ادامه می‌دهیم تا موسی به سوی ما بازگردد: ﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ﴾ (طه: ۹۱/۲۰). ما فقط به سوی او میل می‌کنیم، زیرا او پیامبر اصلی است که حامل رسالت است، اما تو وزیر هستی (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۱۴۷). در حقیقت آنان بازگشت از مسیر گوساله‌پرستی را مشروط به بازگشت موسی (ع) دانستند، زیرا از دیدگاه برخی از دینداران، دین قائم به یک شخص است و تا زمانی که آن شخص حضور دارد، فرامینش لازم الاجراست و این نشانگر عدم درک جریان پیوسته دینداری است. به همین جهت، رهبران دین در برخی از موقعیت‌ها به پیروان خویش متذکر می‌شدند که آنچه مهم است، بقای حیات دینداری در جامعه است و حتی جان رهبر جامعه دینی نیز در خدمت این هدف قرار می‌گیرد.

#### ۴-۳-۲- درک نادرست افراد از فلسفه احکام دین

از دیگر موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر دینداری افراد می‌شود، عدم آگاهی از فلسفه احکام دین است. به عنوان نمونه، در ماجرای تغییر قبله از از «بیت المقدس» به «کعبه»، برخی از پیروان پیامبر اکرم (ص) دچار تردید شدند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۲۷) و چون به حکمت و مصلحت تغییر قبله پی نبرده بودند از دین اسلام برگشتند (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۹۶). قرآن کریم در آیه ﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلٰی عَقْبَيْهِ﴾ (بقره: ۱۴۳/۲)، ماجرای تغییر قبله را مرحله‌ای برای شناخت پیروان صادق اسلام از پیروانی که اسلام آنها در حد حرف و لقلقه زبان است می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۰). علت تغییر قبله این بود که یهودیان پیامبر اکرم (ص) را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند که تو تابع ما هستی و به سوی قبله ما نماز می‌گذاری. پیامبر اکرم (ص) از این سرزنشها غمگین شد و در دل شب از خانه بیرون رفت و به آفاق چشم دوخت و منتظر فرمان الهی ماند. چون آن شب سپری شد و روز فرا رسید، در هنگام ظهر در مسجد بنی‌سالم در حالی که دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بود، جبرئیل نازل شد و بازوی ایشان را گرفت و او را از جانب بیت المقدس به سوی کعبه کرد (بدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

از دیگر نمونه‌های قرآنی می‌توان به افرادی اشاره کرد که درک نادرستی از جهاد با مشرکان داشتند. قرآن کریم از گروهی خبر می‌دهد که در یک شرایط نامناسب با شور و حرارت خاصی تقاضای اذن جهاد داشتند، اما هنگامی که شرایط مهیای جهاد گردید، ترس و وحشت وجود آنها را فرا گرفت و زبان به اعتراض گشودند: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (نساء: ۷۷). مؤمنین صدر اسلام از تعدی کفار در فشار بودند و از اینکه اجازه جنگ با آنان را نداشتند، بسیار ناراحت بودند. خداوند به

آنان دستور داده بود که دست به شمشیر نبرند و به اقامه شعائر دین از جمله نماز و زکات پردازند تا استخوان بندی دین محکم گردد، آن وقت خداوند به آنها اذن جهاد خواهد داد. در غیر این صورت ارکان دین منهدم و ساختمان آن متلاشی می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۶). این افراد از این نکته غافل بودند که اگر کاری بدون برنامه‌ریزی و بدون ملاحظه زمان مناسب انجام گردد، نه تنها نتیجه لازم را در پی نخواهد داشت، بلکه سراسر زیان خواهد بود. مخصوصاً در مسأله جهاد که با جان افراد در ارتباط است و هرگونه تصمیم نابخوابی موجب خسارات جبران‌ناپذیر خواهد بود.

#### ۴-۳-۳- عدم بهره‌مندی افراد از تربیت دینی

یکی از موارد مهم تغییر مسیر دینداری، قرارگرفتن افراد در موقعیت‌های فردی و تغییر مسیر به خاطر عدم برخوردارگی از تربیت دینی است. در ادامه به برخی از مصادیق آن اشاره خواهیم کرد.

#### ۴-۳-۳-۱- تمکن مالی و جسمی

یکی از موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر دینداری می‌شود، بهره‌مندی‌های مالی و جسمی است. قرآن کریم در آیات ۲۴-۳۲ سوره کهف، با اشاره به سرگذشت دو دوست که یکی از آنها دارای دو باغ و دیگری فاقد تمکن مالی بود، سیر تحولات روحی فرد ثروتمند و رسیدن او به مرحله انکار معاد را بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُودْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا﴾ (کهف: ۱۸/۳۶). البته بیشتر اغنیاء و توانگران از مسلمانان اگر به زبان اقرار به شرک نمی‌کنند، زبان حالشان گویای این حقیقت است که در دل ایمانی به خدای یگانه ندارند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۲۲).

از نمونه‌های قرآنی افرادی که قوت جسمانی موجب تغییر مسیر آنها شد، قوم عاد بود. قرآن کریم در گزارش شرح حال آنها می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَمْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ (فصلت: ۱۵/۴۱). احساس کاذبی به طغیانگران دست می‌دهد مبنی بر آنکه نیرویی را یارای ایستادگی در مقابل نیروی خود نمی‌دانند و فراموش می‌کنند، خداوندی که آنها را آفریده است از آنها قوی‌تر است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۳۱۱۷).

#### ۴-۳-۳-۲- عدم برخوردارگی مالی

قرآن کریم مال را موجب قوام زندگی می‌داند و در بیان اهمیت آن می‌فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء: ۵/۴). سرمایه‌های شما که قوام زندگانی و اجتماع شما به آن است و بدون آن نمی‌توانید کمر راست کنید به دست سفیهان نسیباید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۷۰).

از دیگر موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر دینداری می‌گردد، پایگاه اقتصادی ضعیف و عدم بهره‌مندی مالی است. پیامبر اکرم (ص) در بیان آثار سوء فقر می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷) حتی ایشان در توصیه‌های خویش به زمامدار بعد از خود، از اینکه مردم را در شرایط سخت

اقتصادی قرار دهد و زمینه رسیدن آنها به کفر را فراهم می‌آورد بر حذر داشته و می‌فرماید: «أَذْكُرُ اللَّهَ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي إِلَّا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ فَأَجَلَ كَبِيرَهُمْ وَرَحِمَ ضَعِيفَهُمْ وَوَقَّرَ عَالِمَهُمْ وَلَمْ يُضِرَّ بِهِمْ فَيْدَلَّهُمْ وَلَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيُكْفِرْهُمْ» (کافی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۶) آن کس را که پس از من بر اتم حکمرانی یابد به یاد خدا توصیه می‌کنم که حتما بر جماعت مسلمانان مهر ورزد. بزرگ سالان آنها را گرامی دارد و بر ناتوانان آنها رحمت آورد. دانشمندان آنها را بزرگ دارد و آنان را زیان نرساند که خوارشان سازد و به فقر دچارشان نکند که کافرشان کند.

اگر انواع گناهان و جرائم بررسی شود، علت بروز آنها دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه راهزنی، آدم‌کشی، گرانفروشی، کم‌فروشی، غصب و ... وادار می‌کند و یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تجاوز در جشن، مال و ناموس دیگران و ... وامی‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۴۳۲). بر این اساس فقر می‌تواند موجب تغییر مسیر دینداری شود.

نکته قابل توجه اینکه ثروت و فقر هنگامی موجبات تغییر مسیر دینداری را به وجود می‌آورد که افراد فاقد تربیت دینی باشند، وگرنه، در طول تاریخ افرادی با داشتن ثروت یا قرار گرفتن در فقر باز هم مسیر دینداری خود را حفظ کرده‌اند.

#### ۴-۳-۴) انتخاب دوست

از دیگر موقعیت‌هایی که موجبات تغییر در مسیر دینداری را فراهم می‌آورد عدم دقت در انتخاب دوست است. اهمیت این موضوع تا آنجاست که یکی از حسرت‌های روز قیامت، پشیمانی افراد از برخی از انتخاب‌هایشان در مسیر دوستیابی است. قرآن کریم در توصیف این حسرت جبران‌ناپذیر می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ (فرقان: ۲۵/۲۷-۲۸). در شأن نزول این آیه شریفه آمده است در عصر پیامبر اکرم (ص) دو نفر دوست در میان مشرکان به نام «عقبه» و «ابی» بودند. هر زمان عقبه از سفر می‌آمد، غذایی ترتیب می‌داد و اشراف قومش را دعوت می‌کرد و در عین حال، دوست داشت به محضر پیامبر اکرم (ص) برسد هرچند اسلام را نپذیرفته بود. روزی از سفر آمد و طبق معمول ترتیب غذا داد و دوستان را دعوت کرد، در ضمن از پیامبر اکرم (ص) نیز دعوت نمود. هنگامی که سفره را گسترده و غذا حاضر شد، پیامبر اکرم (ص) فرمود: من از غذای تو نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی، عقبه شهادتین بر زبان جاری کرد. این خبر به گوش دوستش ابی رسید، گفت: ای عقبه از آئینت منحرف شدی؟ او گفت: نه به خدا سوگند. من منحرف نشدم و لکن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذایم بخورد، جز اینکه شهادتین بگویم، من از این شرم داشتم که او از سفره من برخیزد، بی‌آنکه غذا خورده باشد، لذا شهادت دادم! ابی گفت: من هرگز از تو راضی نمی‌شوم، مگر اینکه در برابر او بایستی و سخت توهین کنی! عقبه این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار به قتل رسید و رفیقش ابی نیز در روز جنگ احد کشته شد. آیات فوق نازل گردید و سرنوشت مردی را که در این جهان گرفتار دوست گمراهش می‌شود و او را به گمراهی می‌کشاند شرح داد

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۶۸ / طبرسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۶۱). بر این اساس تأثیر دوست تا آنجاست که حتی فرد را از مرحله تشرف به اسلام به مرحله ارتداد و گمراهی می‌کشاند.

#### ۴-۳-۳-۴- غفلت

از دیگر موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر انسان می‌شود غفلت است. غفلت سهو و لغزشی است که انسان را به خاطر کمی مراقبت و کمی هشیاری و بیداری فرا می‌گیرد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۰۹) و ضد بیداری است (طبرسی، بی تا، ج ۴، ص ۵۶۶). امام علی (ع) می‌فرماید «وَ اسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱).

قرآن کریم دلیل اصلی گرفتاری افراد را در روز قیامت غفلت می‌داند. البته، غفلت مقدماتی دارد و آن این است که افراد از اسباب هدایت یعنی قلب، چشم و گوش خود بهره کافی نبرند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹/۷). هر چیزی که به هدفی که از آن خواسته می‌شود، منتهی نشود، وجود و عدمش یکسان است. از مهم‌ترین هدف‌هایی که برای قلب در نظر گرفته شده، آن است که بر دلایل حق باز شود. هدف از چشم آن است که این دلایل را ببیند و هدف از گوش آن است که آنها را بشنود و هرگاه این اهداف از آنها به دست نیاید و از دلایل حق بهره‌گیری نشود، وجود آنها مانند عدم است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۲۵).

#### ۵- راههای مصونیت از دینداری موقعیتی

دینداری موقعیتی، آسیبی در مسیر دینداری است. محورهایی که موجب ایجاد استقامت در دینداری می‌شود عبارتند از:

#### ۵-۱- آگاهی از قرار گرفتن انسانها در مرحله آزمایش

یکی از نکات مهمی که قرآن کریم به صراحت از آن سخن می‌گوید این است که ایمان افراد همواره در مرحله‌ای به نام «فتنه» یا «آزمایش» قرار دارد: ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۳-۲). این آزمایش‌ها به خاطر این است که حقیقت ایمانشان بر آنها آشکار شود (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۳۲۴). پس کسی که در ایام راحتی شکر کرد و در ایام بلا صبر پیشه کرد، از راستگویان است و کسی که در ایام راحتی مغرور شد و در ایام بلا جزع کرد، از دروغگویان است (نسفی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۶۱).

آگاهی از این موضوع به افراد کمک می‌کند که هنگام ادبار دنیا تغییر مسیر ندهند و بدانند که در مرحله ای به نام آزمایش قرار گرفته‌اند. نقصان در اموال، انفس و ثمرات از جمله آزمایش‌های الهی است: ﴿وَلَنْبَلُوكُمْ بِشْيءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵/۲). مصائب مظهر ثبات انسان بر ایمان و محبت خدا و تسلیم قضای الهی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰،

ج ۲، ص ۵۳). بر این اساس، نقصان در اموال و انفس و ثمرات نمونه‌هایی از ادبار دنیاست و ممکن است موجب تغییر مسیر دینداری انسان شود و بر این اساس قرآن کریم انسانها را دعوت به صبر می‌کند. به نظر می‌رسد «صبر کردن» به معنای تغییر مسیر ندادن است و همان معنای «استقامت» را تداعی می‌کند. مهمترین الگوی قرآنی در این زمینه، حضرت ایوب (ع) است که نوسانات دنیوی هیچگونه تفاوتی در مسیر دینداری ایشان ایجاد نکرد.

## ۵-۲- شناخت نقاط ضعف انسان

یکی از نکات مهمی که قرآن کریم به آن توجه دارد توصیف حقیقت وجودی انسان است. زن، فرزند، پول، مرکب‌های ممتاز، چارپایان و زراعت‌ها از لغزشگاه‌های انسان است که زمینه ورود او به دینداری موقعیتی را فراهم می‌آورد: ﴿زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَالِ﴾ (آل عمران: ۱۴/۳). اسلام، دین دنیا و آخرت است، مراد این آیه منع حب متعادل شهوات نیست، بلکه ممنوعیت مبالغه در دوست داشتن آنها و اسراف در شهوات و اشتغال به آنهاست چراکه ممکن است تا آنجا پیش رود که بر عقیده و دین طغیان کند و امر آخرت را مهمل گذارد (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۵). در حقیقت شهوات زودگذر باید در حدود معینی باقی بماند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۲۴).

از دیگر لغزشگاه‌های انسان این است که هنگامی که از ضعف به قدرت می‌رسد، طغیانگر می‌شود: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ﴾ (علق: ۶/۷-۶). انسان ضعیف خلق شده است، اما همین انسان هنگامی که به قوت می‌رسد، ضعف خود را فراموش می‌کند و غرور بر او مستولی می‌شود (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۹۶۸)، زیرا انسان‌ها عموماً وقتی به استغناء می‌رسند، شکر نمی‌کنند و مصدر نعمتی که آنها را مستغنی کرده است نمی‌شناسند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۹۴۲). بر این اساس طغیان انسان به خاطر غفلت از ولی نعمت خویش است.

هرجا مسأله کسب سود و دفع ضرر در میان باشد، این قابلیت در وجود انسان‌ها وجود دارد که به عرصه دینداری موقعیتی ورود کنند. از دیدگاه قرآن، کسی که سودی به انسان می‌رساند یا ضرری را دفع می‌کند، خداوند است: ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انعام: ۱۷/۶). انسان مؤمن کشف ضرر و ایجاد خیر را فقط از خداوند طلب می‌کند، نه از شفیعان و اولیائی که مالک نفع و ضرر خودشان هم نیستند (مراغی، بی تا، ج ۷، ص ۹۰).

نکته قابل توجه اینکه قرآن کریم مرتب این نکته را تذکر می‌دهد که در انتخاب معبود دقت کنید، چون بتها هیچ سود و زبانی به شما نمی‌رسانند: ﴿يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ يَدْعُوا لِمَنْ صَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ﴾ (حج: ۱۲/۲۲-۱۳). عبادت بتی که ضرر و نفعی ندارد، عدول از صواب و انحراف از طریق مستقیم است. عبارت «یدعوا لمن صرّه أقرب من



نفعه» یعنی بتهایی را به عبادت دعوت می‌کنند که ضرر آن نزدیکتر به نفع آن است، برای اینکه ضرر این عبادت عذاب آتش است و نفعی در آن نیست (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۹۷).

### ۵-۳- قرارگرفتن در مسیر آگاهی

از دیگر راهکارهای مصونیت انسان از تغییر مسیر دینداری این است که در مسیر آگاهی قرار گیرد بدین صورت که یا عالم باشد و یا در مسیر کسب علم باشد و با قرارگرفتن در این دو مسیر، خود را از حرکت با بادهای مختلف در امان نگه دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا أَحْفَظُ عَنِّي مَا أَقُولُ: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَجٌ رَعَاؤُا أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجُئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)؛ «این دلها بسان ظرف‌هایی هستند که بهترین آنها فراگیرترین آنهاست، پس آنچه را می‌گویم نگه دار. مردم سه دسته‌اند، دانشمند الهی و آموزنده‌ای بر راه رستگاری، و پشه‌های دستخوش باد و طوفان و همیشه سرگردان که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند، نه از روشنایی دانش نور گرفتند و نه به پناهگاه استواری پناه بردند».

آگاهی موجب شد که برخی از عالمان از دینداری مردم در برابر تبلیغات مسموم قارون صیانت کنند: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾ (قصص: ۲۸ / ۸۰). منظور از «الذين أوتوا العلم»، احبار بنی اسرائیل هستند که به آنها دانایی نسبت به حقارت دنیا و سرعت فنای آن و به آنچه وعده خدا در آخرت است داده شد (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۴۶). بسیاری از موقعیت‌هایی که موجب تغییر مسیر انسان می‌شود به خاطر عدم آگاهی است، زیرا افرادی که در مسیر آگاهی قرار دارند، تحت تأثیر تبلیغات، هیجانانگیز و جریانات قرار نمی‌گیرند و همواره بر مدار دین حرکت می‌کنند. بنابراین، برخورداری و بهره‌مندی از چراغ علم و دانش یکی از راه‌های صیانت افراد از وقوع در دینداری موقعیتی است.

### نتیجه‌گیری

از مقاله حاضر نتایج ذیل بدست آمد:

۱- «استقامت» یکی از شروط اساسی دینداری است که لازمه تحقق آن قرارگرفتن در شرایط مختلف و عدم تغییر مسیر دینداری است. برخی از موقعیت‌ها موجب خروج افراد از دایره استقامت است که ذیل مبحثی به نام «دینداری موقعیتی» بررسی شده است.

۲- دینداری موقعیتی آسیبی در مسیر دینداری است و بر این اساس، عملکرد دینداران در قرآن کریم آسیب شناسی شده است.

۳- گاه کسب سود و دفع ضرر و عدم آگاهی از مسیر دینداری موجب تغییر مسیر دینداری می‌گردد و گاه شرایط جامعه به یک سمت و سوی خاصی می‌رود و برخی از افراد که در مراتب پایین‌تری از دینداری قرار دارند، تحت تأثیر شرایط قرار می‌گیرند و تغییر مسیر می‌دهند. بر این اساس، دینداری موقعیتی یک حوزه

کاملاً شخصی و خصوصی نیست و با تعمق در آیات قرآن کریم می‌توان به جنبه‌های اجتماعی دینداری موقعیتی پی برد.

۴- در دینداری موقعیتی، موقعیت دین در درون انسان مدام در معرض تغییر قرار دارد و این به خاطر آن است که جایگاه دین در درون افراد ریشه‌دار، عمیق و درونی نیست.

۵- افراد می‌توانند با خودشناسی و قرارگرفتن در مسیر آگاهی موجبات مصونیت از دینداری موقعیتی را فراهم آورند.

## منابع و مآخذ

-قرآن کریم.

-نهج البلاغه.

۱. آذربایجانی، مسعود؛ *مقیاس سنجش دینداری (تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام)*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول عن آل الرسول*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر؛ *تفسیر التحریر و التنویر*؛ بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵. ابوزهره، محمد؛ *زهرة التفاسیر*؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.
۶. ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا؛ «*تحلیل محتوای کیفی*»؛ مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱۵-۴۴، ۱۳۹۴ ش.
۷. بادفر، رحمت؛ «*گونه‌شناسی سبک‌های دینداری مسلمانان در قرآن و نهج البلاغه*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی ایلام، ۱۳۹۴ ش.
۸. بدوی، عبدالرحمن؛ *دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان*؛ مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۳ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ *دین شناسی*؛ قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. چرم‌دوز، زهره؛ «*مقایسه دینداری تکلیف محور و دینداری متکلفانه*»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع)، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ *تفسیر نور الثقلین*؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. خطیب، عبدالکریم؛ *التفسیر القرآنی للقرآن*؛ بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
۱۳. رادی میبدی، زهرا و پرچم، اعظم؛ «*آسیب شناسی ارتجاع و تزلزل جوامع دینی از منظر قرآن با تکیه بر بافت اجتماعی و ذهنی (مورد مطالعه: یهود صدر اسلام)*»؛ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۷، صص ۵۹-۸۹، ۱۳۹۹ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ بیروت: انتشارات دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. رسولی محلاتی، هاشم؛ *تاریخ انبیاء*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. زحیلی، وهبه؛ *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*؛ دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر؛ *أساس البلاغة*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۸ م.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد؛ *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی؛ *فی ظلال القرآن*؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*؛ قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. شجاعی‌زند، علیرضا؛ «*مدلی برای سنجش دینداری در ایران*»؛ مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۳۴-۶۶، ۱۳۸۴ ش.
۲۳. شیروانی، علی؛ «*بررسی تعاریف دین از منظری دیگر*»؛ اندیشه نوین دینی، شماره ۲۷، صص ۲۹-۵۲، ۱۳۹۰ ش.

۲۴. صادقی تهرانی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*؛ قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. طالبان، محمدرضا؛ *دینداری و بزهکاری در میان جوانان*؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *تفسیر مجمع البیان*؛ ترجمه حسین نوری همدانی، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۹. طیب، عبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: اسلام، ۱۳۶۹ ش.
۳۰. عدالت، عباس؛ *فرضیه فاجعه زدگی (تأثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی ایران)*؛ نشریه بخارا، شماره ۷۷، صص ۲۲۷-۲۶۳، ۱۳۸۹ ش.
۳۱. عسکری، ابوهلال؛ *الفروق فی اللغة*؛ بیروت: دارالافتاء الجدیدة، ۱۴۰۰ ق.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فضل الله، سیدمحمد حسین؛ *من وحی القرآن*؛ بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. فلیک، اووه؛ *درآمدی بر تحقیق کیفی*؛ ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱ ش.
۳۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *القاموس المحیط*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ش.
۳۶. قرآتی، محسن؛ *تفسیر نور*؛ تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. قرشی بنایی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لأحكام القرآن*؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۳۹. کاشانی، فاطمه، مستفید، حمیدرضا؛ «*آسیب شناسی دینداری در بعد عملکرد از منظر قرآن کریم*»؛ نشریه کتاب و سنت، شماره ۶، صص ۹۱-۱۱۲، ۱۳۹۴ ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی* (ط- الإسلامیه)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۱. کنیگ، ساموئل؛ *جامعه شناسی*؛ ترجمه: مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵ ش.
۴۲. مدرسی، محمدتقی؛ *من هدی القرآن*؛ تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۴۳. مراغی، احمد مصطفی؛ *تفسیر المراغی*؛ بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۴۴. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. مطهری، مرتضی؛ *امدادهای غیبی در زندگی بشر*؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۴۶. معرفت، محمدهادی؛ *نقد شبهات پیرامون قرآن کریم*؛ ترجمه: حسن حکیم‌باشی، علی‌اکبر رستمی، میرزا علیزاده و حسن خرقانی، قم: انتشارات التمهید، ۱۳۸۵ ش.
۴۷. مغنیه، محمدجواد؛ *التفسیر الکاشف*؛ قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام قرآن*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۵۰. موسوی خمینی، سید روح الله؛ *شرح چهل حدیث*؛ تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴ ش.
۵۱. میبدی، احمد بن محمد؛ *کشف الاسرار و عدة الابرار*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۵۲. نسفی، عبدالله بن احمد؛ *تفسیر النسفی*؛ بیروت: دار النفائس، ۱۴۱۶ ق.
۵۳. نهاوندی، محمد؛ *نصحات الرحمن فی تفسیر القرآن*؛ قم: موسسه البعثه، ۱۳۸۶ ق.
۵۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ *تفسیر راهنما*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.